

مجموعه خاطرات

جلد سوم



مهدی عطایی دریایی

سرشناسه: عطایی دریایی، مهدی، ۱۳۳۶ -
 عنوان و نام پدیدآور: خاطرات صحنه/مهدی عطایی دریایی؛
 مشخصات نشر: بندرعباس: سمت روشن کلمه، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۷۸ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۹۲-۳-۰-۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: عطایی دریایی، مهدی، ۱۳۳۶ - - خاطرات
 رده بندی کنگره: ۷۱۸۸۸
 رده بندی دیویی: ۹۲۰/۰۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۷۵۶۳



عنوان کتاب: خاطرات صحنه - جلد سوم
 نویسنده: مهدی عطایی دریایی
 ناشر: سمت روشن کلمه
 مدیر مسئول: عبدالله مهرجو
 مدیر اجرایی: هانا زارعی
 ویراستار: مونا اصفهانی
 صفحه آرای: طاهره پورهاشمی
 طراحی جلد: سمیرا مهری
 نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۴۰۰
 چاپ و صحافی: گاندی
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۷۰/۰۰۰ تومان

بندرعباس، چهارراه فاطمیه، خیابان شریعتی شمالی، کوچه جاودان ۴
 پشت کلینیک دندانپزشکی مهرگان، ساختمان پارسا، طبقه دوم

۰۰۷۶-۳۲۲۱۰۵۱۷ ۰۰۹۱۷ ۳۶۵ ۵۰ ۷۰۰

○ Samtroshan@gmail.com ○
 ○ instagram.com/samt_roshan ○
 ○ www.samteroshan.com ○

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۱۱	 مقدمه
۱۷	 خاطره دوم / زندگیا د اعلیم ناعی / «پتروک»
۱۷	 پرده اول / زار
۱۷	 پرک ۱
۲۷	 پرک ۲ / استاد معتمدی آغازگر تئاتر آیینی
۲۷	 پرک ۳ / زار و خواستگاری
۴۰	 پرده دوم / نمایش در سیریک
۴۰	 پرک ۱ / پنت گراز
۴۴	 پرک ۲ / ارباب و نوکر
۴۷	 پرده سوم / ریل
۴۷	 پرک ۱ / محمود استاد محمد
۵۱	 پرک ۲ / علیرضا هدایی

پرده چهارم / نقطه عطف ۵۶

پرک ۱ / عاقبت قلم فرسایی ۵۶

پرک ۲ / زارعی شاعر ۶۰

پرک ۳ / دینگمارو ۶۴

پرک ۴ / زارعی در بندرعباس ۶۹

پرک ۵ / «گاپونو» و «قاسم» ۷۲

پرک ۶ / زارعی و مرگ ۷۵

پرک ۷ / تئاتر میناب از تکرار تا سنت شکنان پیشرو ۷۷

خاطره سوم زنده یاد احمد حبیب زاده ۸۴

پرده اول / گروه های نمایشی ۸۴

پرک ۱ / از استون تا اندیشه ۸۴

پرک ۲ / الحمن نمایش ۹۰

پرده دوم / بی بری ۹۳

پرده سوم ۹۹

پرک ۱ / شکوه سلیمان ۹۹

پرک ۲ / هفته همایش تئاتر ۱۰۳

پرک ۳ / چشم های خیره به راه ۱۰۶

پرده آخر / آخرین نمایش - آخرین خاطره ۱۱۰

پرک ۱ / پنجره ۱۱۰

پرک ۲ / روزی که استاد حبیب زاده پر کشید ۱۱۳

مقدمه

خاطرات صحنه تلاشی روایی است از پنج دهه تئاتری که من شاهد آن بوده‌ام. با شیوه میدانی محدود و محدود به آدم‌هایی آشنا که تا شعاعی معین پیرامونم حضور داشتند و هر یک روایات خود را ارائه داده‌اند.

روایت صادقانه و واقعی رخدادی که بیش از چهار دهه از آن می‌گذرد، آن هم با تکیه بر حافظه و گپ و گفت‌های نه‌چندان دقیق و گاهی متناقض، کار چندان آسانی نیست. اما آنچه فرهنگ و هنر یک قوم را زنده و پویا نگاه داشته همین تاریخ شفاهی مبتنی بر دیده‌ها و شنیده‌های میدانی است. هر قومی برای زنده نگاه داشتن آیین و گویش و پوشش خود می‌کوشد تا موانع سیاسی و اجتماعی و نظامی را که چون خفقانی فرو خورده در گلو، راه نفس کشیدن را فرو می‌بندد و چون جسم بی‌جانی فرو هشته از بام بیداد، سقوطش را نظاره می‌کند از میان بردارد و عَلم موجودیت و هویت خویش را برافرازد. دیوار موانع را فرو ریزد و خود را و فرهنگ و هنر و آیینش را ماندگار

سازد. این است راز مانایی فرهنگ اقوام و ملت‌ها. این مهم نه از سوی نخبگان و پیشتازان فکری که از جانب مردم به معنای حقیقی مردم انجام می‌پذیرد. این راز شگفت مانایی فرهنگ شفاهی چیست که کسی را یارای ناورد با آن نیست. کار نخبگان و جستارگران، کشف اسرار این ماندگاری و پویایی است. این جستار گاهی در داستان‌ها و قصه‌های فولکلور تجلی می‌یابد؛ گاه در آیین‌های بومی و محلی و گاه در نوشتاری مکتوب. هر جست‌وجوگری به میزان رتبه و توان و دانایی خود سهمی در مانایی میراث گذشتگانش دارد.

مکتوب شدن تاریخچه شفاهی تئاتر در نیم قرن پیش ضروری است؛ پیش از آنکه دیرتر شود و با گذشت زمانی طولانی و فراموشی راویان و یا از دنیا رفتن آن‌ها، بخش مهمی از این تاریخ تئاتر در سینه خاک محبوس گردد.

در اوایل دهه هشتاد نگارش تاریخ تئاتر هرمزگان از طرح‌های پژوهشی من بود که به دلیل ناکام ماند. در همین راستا برنامه‌ای تلویزیونی را طراحی کردم که مورد تصویب شما قرار گرفت. اصرار من بر وجود استاد نعیمی به عنوان تهیه‌کننده برنامه علی‌رغم مخالفت‌هایی که وجود داشت، بسیار زمان‌بر شد. اما سرانجام با سماجت، موافقت معاونت وقت سیما را گرفتم. تا اینکه معاون جدید سیما جایگزین قبلی شد. با این حال چندین پیش‌برنامه را با تهیه‌کنندگی استاد نعیمی ضبط کردیم، اما معاون جدید سیما که هم با حضور من به عنوان کارگردان و هم با تهیه‌کنندگی استاد نعیمی مخالف بود، پیش‌برنامه‌هایی را که استاد ساخته بود تأیید نکرد و کار متوقف شد. پس از آن تصمیم گرفتم که تاریخ تئاتر استانم را در قالب طرحی پژوهشی با حضور در شهرستان‌ها و گفت‌وگو با پیشکسوتان، جوانان، هنرمندان و سالخوردگان عملی سازم. طرحی جامع که نه بودجه آن را داشتم نه امکان سفر را. این طرح نیز که همچنان روی میز کار بنده هر از گاهی از لابه‌لای اوراق عقیم مانده سرک می‌کشد و مرا به خاطر می‌آورد، انجام نگرفت و نقش آن روی

کاغذ باقی ماند. در انجام آن چون می‌دانستم حمایت نخواهم شد از جایی هم طلب کمک نکردم، زیرا مدیران ما بیش از آنکه دغدغه پژوهش و حفظ میراث فرهنگی و هنری داشته باشند در اندیشه حفظ مدیریت خودشان هستند.

وقتی نوشتن خاطرات صحنه را شروع کردم، استاد نعیمی پیامی برایم ارسال کرد: «تاریخ همین گونه شکل می‌گیرد، کار ناتمامت را ادامه بده». دانستم اشارت استاد به همان برنامه عقیم‌مانده تلویزیونی است. اما نگارش تاریخ چیزی نبود که از ابتدا تصمیم بر آن داشته باشم. لیک این پیام استاد رویکرد مرا کامل کرد و بر آن شدم تا شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، هنری و نظام اداری زمان رخداد خاطراتم نیز اشارتی کنم. پس چنین کردم. تا آنکه دامنه تاریخی خاطرات گسترده‌تر شد و با تکنیک روایی به هم آمیخت و روایانی جدید رخ نمودند؛ معاونت کردند و بر گرانی موضوع افزودند.

شانزده روای در نقل خاطرات و ده یاری‌رسان دیگر برای دسترسی به مطالب و روایان، مرا در نگارش جلد سوم یاری کرده‌اند. درج اسامی این عزیزان در پایان کتاب کمترین سپاسی است از جانب من که تقدیم آنان باد.

در جلد اول و دوم خاطرات زنده‌یاد محمد ضعیفی را از دهه پنجاه تا اوایل دهه شصت روایت کردم. جلد سوم خاطرات دو تا چهار و سه تن از درگذشتگان تئاتر هرمزگان زنده یادان ابراهیم زارعی - احمد حبیب زاده و معصومه قاصد را دربر می‌گیرد که در فاصله دهه هفتاد تا هشتاد صحنه زندگی را ترک کردند.

این سه جلد از خاطرات تاریخ شفاهی تئاتر هرمزگان در دهه پنجاه و پیش از انقلاب هستند. اما جلد چهارم به بعد روایتگر تئاتر هرمزگان از دهه شصت تا پایان نود خواهند بود.